

تاتی و کرینگان

نقل از نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال
چهارم، شماره اول و دوم (۱۳۳۴)

قریه کرینگان در محال دیزمار واقع و با قریه (اوشدیین) سه فرسخ و با شهر تبریز ۱۴ فرسخ فاصله دارد. قراء و منازلیکه در سز راه تبریز به کرینگان قرار گرفته بترتیب عبارتند از (آناخاتون) - (شیرینجه) - (شور دره) - (نوروز آباد) - (یاستی بولاق) - (شاه دوزلاقی) - (قوووشوق شیطان آباد) - (گلزار) - (گلوجه) - (مشکفیر) - (البرت) - (لجین) - (برخواران) - (شرفه) - (ایزوان) - (ملک) - (کرینگان) و از کرینگان به (سردو) و (وینستان) که از قراء حسنو مساشند میروند. محصول عمده کرینگان گندم و جو و چاودار و گردو می باشد، اهالی این ده عموماً مسلمان و پیرو مذهب تشیع هستند، ولی از مسلمانی و آداب آن جز نام چیزی با خود ندارند. شغل آنان اغلب زراعت و نگاهداری گاو و گوسفند، و تهیه زغال چوب از درختان جنگلی می باشد. این قریه امروزه مرکز زبان تاتی در قره داغ است. ودیهی است که بز کمره کوه واقع شده و دارای نود خانوار میباشد و همه اهالی آن بدون استثناء بزبان مادری خود تاتی صحبت میکنند. فرائیکه در حوالی کرینگان واقع شده و اهالی آنها هنوز بزبان تاتی

آشنائی دارند عبارتند از:

جای کندی- ملک و وینستان که هر کدام بیش از یکی دو فرسخ از دبه کرینگان فاصله ندارند و عموماً در کمره یا نزدیکی قله رشته صعب‌العبوری از قره‌داغ قرار دارند. بیرمرد شصت ساله‌ایکه من برای فرا گرفتن این لهجه اجیرش کرده بودم میگفت من تا ایام بجگی را بخاطر می‌آورم بسیار تعجب میکنم، چه چهل و پنجاه سال بیش که اهالی این محال با شهرها چندان مرآوده نداشتند بیشتر قراء نزدیک به کرینگان جز بزبان تاتی صحبت نمیکردند و چه بسا از اشخاص یافت میشدند که اصلاً زبان ترکی را بلد نبودند، ولی در عرض این نیم قرن اوضاع تغییر یافت و با سرعت هرچه تمامتر زبان ترکی جانشین زبان تاتی شد و هم‌اکنون این عمل باندازه‌ای با سرعت انجام میگردد، که بیم آن می‌رود تا پنجاهسال دیگر این زبان از کرینگان و چند قریه نزدیک آن نیز بکلی رخت بربندد.

کلمهٔ تات

تاجائیکه بنده امکان مراجعه پیدا کرده‌ام، فرهنگ نویسان زبان پارسی یا در کتاب خود بلفظ تات عنایتی نکرده‌اند و با در صورت عنایت معنی آن کلمه بکلی با «تات» مورد بحث ما مغایر و بیگانه بوده است. ولی این عمل عدم توجه آنان بکلمه‌ای چون «تات» دال بر عدم، و یا بدون معنی بودن آن نمی‌باشد. چه بیشتر این فرهنگ نویسان بکلمه آران نیز توجه نکرده و از نظر دور داشته‌اند و فقط پاره‌ای از آنان در کتب خود «آران» را ذکر و در مقابل آن جمله‌ای بدین مضمون نوشته‌اند: «نام محلی است، یا نام محلی است در شمال آذربایجان» و دیگر از این حد تجاوز نکرده‌اند در صورتیکه آران بمعنی سرزمین آفتابی و آفتابگیر است و تنها اسم خاص نبوده، بلکه بتمام قراء و نواحی گرمسیر اطلاق میشود و هم اکنون در خود آذربایجان مصطلح است. کلمه تات نیز مانند (آران) لغتی است که هم اسم خاص و هم دارای معنی عام میباشد. و از ده‌ها قرن پیش در آثار نویسندگان بزرگ بکار برده شده است.

۱- محمودبن‌الحسین بن محمدکاشغری در (دیوان لغات‌الترک) که تألیف آن در سال ۴۶۶ هجری پایان یافته در صفحه ۲۹۲ مجلد اول در ضمن کتاب الاسماء (ابواب‌ثلاثی) زیر عنوان برک- (بضم اول و سکون ثانی و ثالث) مینویسد:

«برک= الفلن‌سوة، و فی‌المثل: تات سبز ترک بلماس- باش سبز بلماس معناه:

لايخلوالترك من الفارسي، كمالايخلوالقلنسوة من رأس، یعنی (بدون ایرانی ترک و بدون سر کلاه نمیشود). در این عبارت محمود کاشغری «تات» را بمعنی ایرانی ترجمه کرده است.

۲- در کتاب داستان دده قورقود که بزبان غزی در حدود نه قرن پیش تألیف یافته، مؤلف در ضمن حکایت اول (در سه خان اوغلی بقاج خان حکایه سی- ص ۶ الی ۲۱ چاپ استانبول ۱۳۳۲ هـ) موقعیکه میخواهد کیفیت طلوع فجر و پیدایش صبح صادق و بانک نماز برداشتن یک نفر ایرانی مسلمان را شرح دهد، مینویسد: «اوزون سفاللی تاتاری بانلادیدقا» یعنی «مرد ایرانی ریش درازی در حال اذان دادن» بطوریکه ملاحظه میشود در این جا نیز تات بمعنی ایرانی مسلم استعمال شده است.

۳- مرحوم استاد ملک الشعراء بهار در صفحه (۵۰) جلد سوم سبک‌شناسی در ضمن بحث از سبک و لغات طبقات ناصری راجع بکلمه «تات» که در آن کتاب بسیار بکار برده شده، مینویسد: «در این کتاب (طبقات ناصری) لغات مغولی برای بار اول داخل زبان فارسی شده است و لفظ مغول نیز شنیده میشود و کلمه «تات» بمعنی «تازی و تاجیک» یعنی فارسی زبانان در این کتاب دیده میشود..... و سپس علامتی گذاشته در حاشیه همان صفحه مینویسد: «ایرانیان از قدیم ب مردم اجنبی «تاجیک» یا «تازی» میگفته‌اند چنانکه یونانیان (بربر) و اعراب (اعجمی) با (عجم) گویند- این لفظ در زبان دری تازه (تازی) تلفظ شد و رفته رفته خاص اعراب گردید، ولی در توزان و ماوراءالنهر لهجه قدیم باقی و با جانب (تاجیک) میگفتند- و بعد از اختلاط ترکان (آلتائی) با فارسی زبانان آن سامان لفظ (تاجیک) بهمان معنی داخل زبان ترکی شد و فارسی زبانان را (تاجیک) خواندند، و این کلمه بر فارسیان اطلاق گردید، و ترک تاجیک گفته شد.» از گفتار بالا نیز معلوم میشود که تات بمعنی (تاجیک) و (پارسی) و عبارت دیگر (ایرانی) میباشد. ناگفته نماند که اختلاف ترک و تاجیک، و یا ترک و تات آنروز که از مطالعه کتب: دیوان لغات‌الترک کاشغری- داستانهای دده قورقود- و نزهت‌القلوب حمدالله مستوفی و غیره مستفاد میشود، امروزه نیز با وجود شیوع و رواج کامل زبان ترکی در اغلب نقاط آذربایجان میان روستائیان موجود است، و هریک دیگری را با نسبت بتات و یا ترک تغییر میکنند، و از این نقاط میتوان محال (اوجان) و (هشترود) را نام برد.

۴- شمس‌الدین سامی مؤلف (قاموس ترکی) در ستون دوم صفحه (۲۷۰) زیر عنوان

«تات» مینویسد: «تات- اسکی تر کلرین کندی حکم لری آلتنده بولونان یرلرده اسکی ایرانی و کردلره و بردیکلری اسم اولوب مقام تحقیر ده قوللانیلیدی- یعنی تات اسمی بوده که ترکان قدیم بایرانیان واکراد قدیمی که زیر سلطه خود داشتند میدادند و این کلمه در مقام تحقیر استعمال میشد.»

۵- در شعر ذیل که بین عوام الناس مخصوصا بچه‌ها مشهور است، تات بمعنی مردی آبادی‌نشین و زراعت پیشه استعمال شده است:

«ارشودوم، هـ، اوشودوم داغدان آلما داشیدیم
گوموشی ویردیم تاتا تات منه داری ویردی
دارینی سبیدیم قوشا قوش منه قانات ویردی
قانا دلاندیم اوچماقا حق قابوسان آچماقا»
یعنی: سیم را بتات دادم و ارزن گرفتم، ارزن را بمرغ دادم، مرغ برای من بال و پر داد، پر پرواز گشودم تا در حق را باز کنم.

۶- در این مثل مشهور: «بوسوز هیچ تاتین کتابندا بوخدر» یعنی این حرف در کتاب هیچ تات نیست، کلمه تات بمعنی شخصی دانشمند و اهل کتاب بکار برده شده است.

۷- از هر فرد روستائی یا ایلات آذربایجان بپرسید: تات یعنی چه؟ بیدرنگ میگوید: «تات یعنی تخته قابو= آبادی نشین، پس بطور کلی از مراتب مزبور باین نتیجه میرسیم که تات کلمه‌ای بوده بجای تاجیک که لاقلاً از ده قرن پیش از طرف ترکان بیابانگرد بیسواد بایرانیان قدیم شهریگر و کشاورز و دانشمند اطلاق میشده است: و زبان تاتی لهجه‌های مختلف زبان ایرانیان قدیم را میگفته‌اند.